

دسترسی به روستا موتور و یا احشام است که آن را هم بسیاری از مردم ندارند.

### کانکسی برای با سواد شدن

رئیس اداره آموزش و پرورش عشایری استان کرمان در خصوص وضعیت مدرسه «نجم بگسی» می‌گوید: سازه مدارس عشایری به صورت چادری، کانکسی و برخی همه ساختمانی است و این مدرسه جزو مدارس چادری بوده است.

سهراب محمدی سلیمانی ادامه می‌دهد: هشت سال قبل با کمک مردم منطقه و معلمان اتاق این مدرسه با استفاده از امکانات روستا آماده شد که مصالحی نظیر تیرآهن در آن به کار نرفته است. سقف این کلاس چوبی است و پوشش پلاستیکی زیر این سقف ایجاد شده است.

محمدی سلیمانی در خصوص حضور «مار» در کلاس این مدرسه و شکار مارمولک‌های روی دیوار می‌افزاید: «مار» در سطح شهرها هم دیده می‌شود، در این مدرسه هم به علت باز بودن پنجره‌ها در تابستان «مار» به داخل کلاس رفته است. ما به محض دریافت کلیپ، برای رفع مشکل این مدرسه اقدام کردیم.

### غصه تلخ چاه تلخ

و پس حل شدن مشکل دانش آموزان چاه بگسی تصاویری از وضعیت نامناسب مدرسه عشایری در روستای چاه تلخ سیرجان در رسانه‌های مجازی منتشر شد. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در راستای ایفای مسوولیت‌های اجتماعی این شرکت به رسانه‌ها قول داد در روستای چاه‌تلخ یک باب مدرسه احداث شود.

امیدواریم که زین پس به واسطه ی رسانه‌ها سکوت مظلومین مناطق محروم در جای جای کشورمان شکسته شود و حقی که گرفتگی است گرفته شود و کودکان ایل و روستا بتوانند با امکاناتی مشابه زندگی شهر نشینی به تحصیل بپردازند و برای آینده خود و خانواده خود مفید واقع شوند.

زیر سقف خزید. دانش آموزان که از دیدن این صحنه ترسیده بودند از کلاس درس خارج شدند و اهالی روستا قول دادند مکان دیگری را برای برگزاری کلاس درس آماده کنند اما نکته جالب بی اطلاعی و عدم پاسخگویی مسوولان شهرستان سیرجان در این زمینه است.

اما برای بررسی وضعیت این مدرسه پای درد دل اهالی روستا و دانش آموزان «بگسی» نشستیم، اهالی این روستا از داشتن ابتدایی‌ترین امکانات نیز محرومند و مدرسه آنها هم مصداق همین محرومیت است. مدرسه یک اتاقک خشتی قدیمی است؛ به گفته دانش آموزان قبلاً در این ساختمان علوفه نگهداری می‌شده اما بعد از اینکه معلم به روستا اعزام شد؛ اهالی که از داشتن مدرسه بی بهره‌اند این ساختمان را برای برگزاری کلاس درس انتخاب کردند.

سه نیمکت شکسته و کهنه در اطراف کلاس قرار گرفته و ۹ دانش آموز قد و نیم قد در این کلاس در مقطع ابتدایی درس می‌خوانند. در این مدرسه خبری از سرویس بهداشتی، آب‌خوری و حیاط نیست، یک چهاردیواری بسیار قدیمی با سقفی که از پلاستیک پوشیده شده است، چند نیمکت شکسته، یک تخته سیاه کهنه و چند دانش آموز که حتی توان خرید دفتر هم ندارند همه اموال این مدرسه است.

اهالی روستا اکثراً دامدار هستند اما خشکسالی و از بین رفتن مراتع زندگی را بیش از گذشته برای آنان سخت کرده است، این روستا هنوز کد روستای ثابت ندارد و از ساکنان این منطقه به عنوان عشایر نام برده می‌شود اما بیش ترشان در همین روستا ساکن هستند.

خانواده‌هایی که می‌توانند فرزندانشان را برای تحصیل به روستاهای اطراف فرستاده‌اند و آنان که توانش را نداشتند کودکانشان حداقل در مقطع ابتدایی در همین سازه‌ای که مدرسه‌اش می‌خوانند، تحصیل می‌کنند به امید اینکه در آینده زندگی بهتری داشته باشند.

در این روستای دور افتاده همه چیز عجیب است؛ مردم می‌گویند در بسیاری از روزهای سال به دلیل بارش برف و باران تنها راه

